

## انتقاد مشفقانه و نه مغرضانه

### نقدی بر تصحیح و چاپ تذکره آفتاب عالمتاب

● تألیف عارف نوشاهی

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، نسخه‌شناس پاکستانی  
arifnaushahi@gmail.com

● ترجمه شیوا امیرهدایی

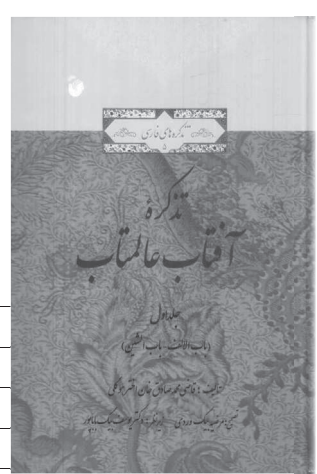
کارشناس زبان و ادبیات اردو از دانشگاه تهران، پژوهشگر فرهنگستان زبان  
sh.amirhodaii@gmail.com

این مقاله ترجمه‌ای است از مقاله «تذکره آفتاب عالمتاب» که در فوریه ۲۰۱۷م، در مجله معارف (ج ۱۹۹، ش ۲، صص ۱۳۶-۱۵۴) چاپ اعظم‌گر هند، به زبان اردو منتشر شده است.

#### چکیده

یکی از مهمترین موضوعات فرهنگی، ادبی و پژوهشی در تاریخ زبان و ادب فارسی، تذکره‌نویسی در شبه‌قاره است. فهرست عناوینی که در کتاب‌شناسی توصیفی و تحلیلی تذکره‌ها از جمله تاریخ تذکره‌های فارسی (گلچین معانی) و تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان (علیرضا نقوی) نشان‌دهنده همین اهمیت تذکره‌ها است. برای شناخت شعر فارسی در دوره‌های گذشته به‌ویژه در سرزمین‌هایی که در یک دوره ممتد و نسبتاً طولانی زبان فارسی از زبان‌های مهم و رایج بوده قطعاً تذکره‌های شعر فارسی از مهمترین منابع به شمار می‌آیند. تحقیق و پژوهش در شعر فارسی از طریق این تذکره‌ها نیز مستلزم تصحیح و انتشار دقیق آنها است. یکی از این تذکره‌های مهم که در شبه‌قاره تألیف شده، تذکره آفتاب‌عالمتاب اختر هوگلی است که در این مقاله بنا داریم ضمن معرفی اجمالی آن به نقد و بررسی چاپ و تصحیح آن، در ایران بپردازیم.

**کلیدواژه:** تذکره‌نویسی، آفتاب‌عالمتاب، اختر هوگلی، تصحیح، نقد



فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۶  
تابستان ۱۳۹۸

۱۳۲

■ اختر هوگلی، محمدمصدق (۱۳۹۳). *تذکره آفتاب عالمتاب*. تصحیح مرضیه بیگوردی (جلد اول) و تصحیح مریم برزگر (جلد دوم). زیر نظر یوسف بیگ باباپور (هر دو جلد). تهران: سفیر اردهال.

### آمدخلی بر تذکره نویسی در شبه قاره

تذکره نویسی در شبه قاره از دیرباز مورد توجه همگان بوده است. *لباب الألیاب* (تألیف: حدود ۱۷۶۰ ق. / ۱۲۲۰ م.) اولین تذکره به دست آمده درباره شعرای فارسی گوی است که توسط محمد عوفی بخاری در منطقه اُچ، واقع در ایالت پنجاب در پاکستان امروز، نوشته شده است. از آن زمان تاکنون، تذکره های بسیاری در شبه قاره تألیف شده اند که به تفصیل در این کتابها معرفی شده اند: تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تألیف سیدعلیرضا نقوی (تهران، ۱۳۴۲ ش) و تاریخ تذکره نویسی فارسی، تألیف احمد گلچین معانی (تهران، ۱۳۵۰-۱۳۴۸ ش). یکی از ویژگی های تذکره نگاری در شبه قاره این است که تعداد شعرای مندرج در تذکره ها بسیار زیاد است. محقق معروف پاکستانی، حسام الدین راشدی (۱۹۱۱-۱۹۸۲ م) فهرستی از این تذکره ها را با ذکر تعداد شعرا ارائه داده است، اگرچه ممکن است تعداد ارائه شده دقیق نباشد:

صحف/ابراهیم، تألیف خلیل، تعداد شعرا: ۳۲۷۸

مخزن الغرایب، تألیف احمدعلی، تعداد شعرا: ۳۱۴۸

عرفات العاشقین، تألیف اوحدی، تعداد شعرا: ۳۰۰۰

ریاض الشعرا، تألیف واله، تعداد شعرا: ۲۵۰۰

ریاض العارفین، تألیف آفتابرای، تعداد شعرا: ۲۱۵۷

مجمع النفایس، تألیف آرزو، تعداد شعرا: ۱۷۳۵

راشدی پس از درج این فهرست، یادداشت قابل تأملی نوشته است: «جای بسی تعجب است که در ایران چنین تذکره های مفصلی نوشته نشده است. این افتخار نیز مانند فرهنگ نویسی، نصیب شبه قاره شده که نه تنها تذکره های بیشتری در این جا نوشته شده، بلکه از نظر تعداد شعرا و کثرت اشعار مندرج نیز گوی سبقت را ربوده است ... گرچه مؤلفین *ریاض الشعرا* و *عرفات العاشقین* ایرانی بودند، ولی گویا برای تألیف تذکره، آب و هوا و گشاده دستی بزرگان

شبه‌قاره با روحیهٔ آنان سازگارتر بوده‌است» (راشدی، ۱۹۹۷م، مقدمهٔ ریاض‌العارفین آفتاب‌رای لکهنوی، اسلام‌آباد، ج ۱: ۶).

### تذکرهٔ آفتاب‌المتاب و نویسنده‌اش

در فهرست فوق، راشدی نام تذکرهٔ آفتاب‌المتاب را که می‌بایست مقدم بر بقیه ذکر شود، فراموش کرده‌است. این تذکره حاوی شرح احوال بیش از چهارهزار شاعر است. آفتاب‌المتاب اثر محمدصادق خان، متخلص به اختر (۱۲۰۱-۱۲۷۵ق./۱۷۸۷-۱۸۵۹م) است. اختر فرزند قاضی محمدلعل است که سلسلهٔ نسبش به بزرگ معروف نقشبندی، خواجه عبیدالله احرار (وفات: ۸۹۵ق./۱۴۹۰م) می‌رسد. وی در هوگلی، از توابع کلکته متولد شد. از واژهٔ اختر مادهٔ تاریخ تولد وی که ۱۲۰۱ق. است، به دست می‌آید. او ادبیات فارسی را نزد میرزا محمدحسن قتیل (وفات: ۱۲۳۳ق./۱۸۱۷م) آموخت. اختر در ۱۲۳۲ق./۱۸۱۷م از موطن خود به لکهنو رفت (اختر، ۱۳۹۳، ج ۲: ۵۱۴) و ملازم دربار اوده شد. او به‌طور خاص، نواب غازی‌الدین حیدر (حکومت: ۱۸۱۴-۱۸۲۷م) را مدح می‌گفت، چنان‌که در مدح وی محامد حیدریه را نوشت و تا عهد واجدعلی‌شاه (حکومت: ۱۸۴۷-۱۸۵۶م) به دربار اوده وابسته ماند. در زمان اقامتش در لکهنو به تألیف آثار مختلف اهتمام ورزید. بهار بی‌خزان، حدیقه‌الارشاد، صبح صادق، گلدستهٔ محبت، محامد حیدریه، مخزن‌الجواهر، مثنوی سراپاسوز و غیره از آثار اوست. اختر در لکهنو درگذشت.

از میان آثار اختر، یک تذکرهٔ فارسی به نام آفتاب‌المتاب موجود است که به بیان شرح حال ۴۲۶۴ شاعر به‌ترتیب الفبا و بر اساس تخلص شاعر می‌پردازد. در این تذکره، منتخبی از اشعار شاعران با مضامین عاشقانه درج شده‌است. تألیف این تذکره در ۱۲۳۸ق./۱۸۲۳م شروع شده و در ۲۴ رمضان ۱۲۶۹ق./۱۸۵۳م به پایان رسیده‌است. ظاهراً تألیف آن حدود سی سال به طول انجامیده‌است. این کتاب، تذکره‌ای عمومی است که دربرگیرندهٔ شرح حال شعرای فارسی‌گوی ایران، ماوراءالنهر، هندوستان، افغانستان و غیره است که به‌نظر نگارنده، اهمیت آن به‌خاطر ذکر شعرای معاصر نویسنده و نیز شعرایی است که با مؤلف ارتباط نزدیک داشته‌اند. از این تذکره، تنها یک نسخهٔ خطی در دست است که به خاندان صفوی در شمس‌آباد (بخش فرخ‌آباد) تعلق دارد. ناهید آرمیدخت صفوی، استاد زبان فارسی دانشگاه اسلامی علیگر، از این خاندان است و به گفتهٔ او، این نسخه در کتابخانهٔ پدربزرگ وی بوده که بعدها به پدرش، سیدمحمدصادق صفوی رسیده‌است (پیشگفتار، ۲۰۱۲م: ۳). این تذکره یکی از مأخذ اصلی تذکره‌نویسان معاصر اختر و دیگر افراد بوده‌است، چنان‌که علی‌حسن خان در تألیف صبح گلشن و مظفرحسین صبا در تألیف روز روشن و ابوالقاسم محتشم در تألیف اختر تابان از آن بهره برده‌اند. شریف‌حسین قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «تذکرهٔ آفتاب‌المتاب» در مجلهٔ غالب چاپ دهلی (قاسمی، ۱۹۸۲م، ج ۳) این تذکره و نسخهٔ یادشده را معرفی کرده‌است. مقاله‌ای نیز از نگارنده، با عنوان «اختر، محمدصادق» در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (امیرهدایی، ۱۹۹۶م، ج ۷: ۱۶۳-۱۶۵) به چاپ رسیده‌است. مهدی رحیم‌پور نیز مقاله‌ای با عنوان «تذکرهٔ آفتاب

عالم‌تاب و نقد ادبی» دارد که در مجموعه‌ای به نام زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد فرهیخته پروفیسور دکتر آرمیدخت صفوی در ۱۳۹۴ ش. ۲۰۱۵ م. در تهران چاپ شده‌است.

### [چاپ‌های تذکره]

این تذکره حدود ۱۵۰ سال بعد از تألیف، مورد اقبال قرار گرفت و به چاپ رسید. ابتدا در ۲۰۱۲ م. عکسی از نسخه شمس‌آباد، به‌وسیله رایزنی فرهنگی ایران در دهلی، با عنوان تذکره آفتاب عالم‌تاب، چاپ عکسی نسخه خطی خانواده صفویه شمس‌آباد چاپ شد. این چاپ به کوشش کریم نجفی‌برزگر، رایزن فرهنگی وقت ایران در دهلی تهیه شد و آرمیدخت صفوی دو مقدمه فارسی، در ۸ صفحه بر آن نوشت که در آن به تاریخ خاندان صفوی در شمس‌آباد، روابط اختر با این خاندان و اهمیت تذکره آفتاب عالم‌تاب اشاره کرده‌است. صفوی در مقدمه خبر داده‌است که به‌زودی چاپی انتقادی از این تذکره، به‌علاوه مقدمه‌ای جامع در ایران، از طریق فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تهران، به چاپ می‌رساند.

پیش از نشر این اثر از سوی فرهنگستان، چاپی حروفی بر اساس همان نسخه شمس‌آباد در ۱۳۹۲ ش. ۲۰۱۴ م. در دو جلد در قطع رحلی در ایران انجام شد که مشخصات آن از این قرار است:

اختر هوگلی، قاضی محمدصادق خان (۱۳۹۲). زیر نظر یوسف بیگ‌باباپور. تهران: سفیر اردهال. جلد اول: باب‌الالف - باب‌الشین، ۸۸۳ صفحه و جلد دوم: باب‌الصاد - باب‌الباء، ۸۶۶ صفحه.

### [نقد تصحیح تذکره آفتاب عالم‌تاب]

در ابتدای هر دو جلد، فهرست شعرا درج شده‌است، اما چنین کتاب مفصلی، در پایان فهرست اعلام ندارد و تنها در ابتدای کتاب، مقدمه‌ای در سه و نیم صفحه، به قلم بیگ‌باباپور درباره تذکره، مؤلف و چاپ آن درج شده‌است و بس! در مقدمه تلاش چندانی برای معرفی مؤلف نشده و نویسنده مقدمه با بیان این‌که اختر شرح حال خود را در تذکره آورده (اختر، ج ۱: ۷۹) و نیازی به تکرار نیست، سخن را کوتاه کرده‌است. حقیقت این است که در بخشی که اختر در این تذکره ذیل نام خود آورده، حتی یک سطر هم درمورد خود ننوخته‌است، بلکه تلاش کرده، قلم پر تکلف خود را به خواننده نشان دهد و درباره خود، به ذکر این‌که اکنون شصت سال دارد، بسنده کرده‌است (همان: ۱۹۱). البته، در صفحات متعددی از تذکره، به‌صورت پراکنده می‌توان از شرح حال اختر آگاهی یافت؛ به‌ویژه در ضمن بیان احوال معاصران و دوستان شاعر، به نکات زیادی پرداخته شده که با گردآوری آن‌ها، می‌توان به سرگذشت مؤلف دست یافت، اما نویسنده مقدمه به این جنبه از کار توجهی نکرده و با اشاره به مشکلات متن خوانی نوشته‌است: «به‌دلیل تک‌نسخه بودن کار و در عین حال، آسیب‌دیدگی اوراق آن و گاه حذف و اضافات مؤلف، مشکلاتی در خواندن نسخه پیش‌آمد، لذا در چنین مواردی نقطه‌چین گذاشته شد». ظاهراً به همین دلیل است که پیشاپیش اظهار کرده‌است: «با علم بر این‌که همواره کوتاه‌بینان مغرض، نه منتقدان مشفق، مترصد فرصتی هستند تا زحمات دیگران را زیر سؤال ببرند و با یافتن

ده، بیست مورد سهویات، با بی ادبی تمام، قصد بر تفاضل خویش و بی مایه نشان دادن دیگران دارند» (همان، ج ۱: ۸۱). با این اوصاف، آیا نگارنده می‌تواند این تذکره را که زیر نظر ایشان چاپ شده، نقد کند یا خیر؟ از سویی، وی از دوستان نگارنده است و از سویی دیگر، تعداد غلط‌های موجود در این چاپ، ده، بیست مورد نیست، بلکه ده ضرب‌در بیست است. انتظار نگارنده این است که جزو «منتقدان مشفق» محسوب شود و نکاتی را که اشاره می‌کند، با دقت مورد مطالعه قرار گیرد و اگر درست تشخیص داده شد، در چاپ بعدی مد نظر قرار داده شود. لازم به توضیح است که نگارنده بیشتر، به بخش شرح احوال شعرای هندی مذکور در این تذکره پرداخته و نمونه اشعار را بررسی نکرده‌است. همچنین، شرح احوال و اشعار شعرای غیر هندی چندان مورد بررسی قرار نگرفته است، زیرا برای ارائه نظری جامع، لازم است سطر به سطر تذکره بررسی شود و این امر، چندین ماه زمان لازم دارد. آن چه در ادامه می‌آید، تنها اشاراتی مختصر است.

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۶  
تابستان ۱۳۹۸

۱۲۵

## جلد اول:

شماره صفحه	غلط	صحیح
۱۱۶	صفی هروی	آصفی هروی
۱۱۶	قمی	آصف قمی
۱۱۷	کلکنده	گلکنده
۱۱۹	بنیان معرفت	انبان معرفت
۱۱۹	هبر و رانجها	هیر و رانجها
۱۱۹	صد و هشتاد کرده	صد و هشتاد گروه (گروه: واحد اندازه‌گیری)
۱۲۰	کاتبیه سری با سبت	کایته سری با سبت (شری و استو، نام قومی هندو است که به صورت‌های مختلفی در این چاپ درج شده، مثال‌های آن در ادامه ذکر خواهد شد.)
۱۲۲	تباير	نبایر (همین اشتباه در صفحات ۳۵۴، ۶۲۶، ۳۵۵ و ۶۸۸ نیز تکرار شده‌است.)
۱۲۵	شماسه‌العنبر	شمامة‌العنبر
۱۳۲	جدار رحمت	جوار رحمت
۱۳۳، ۵۹۹	بند سورت	بندر سورت
۱۵۷	ابوالفضل تاگوری (در همین صفحه ۳ بار تاگور ضبط شده‌است.)	ابوالفضل ناگوری
۱۸۷	کایته سری با نسب	کایته سری با سبت
۱۸۷	پرکنه	پرگنه
۱۸۷	مردوار	مردار
۱۸۷	مشاهده	مشاهره
۱۸۷	هم‌محبتی	هم‌صحبتی

۱۹۱	حشیم‌بری (نام کتابی) تاریخی درج شده که خدا داند صحیح آن چیست؟	
۱۹۱	بدمال	بدمال
۲۰۱	بر چوپاله سوار می‌شد	[شاید] چوپایه [به معنی چهارپایه]
۲۰۱	سری باسنب	سری باستب
۲۱۰	عمده‌الملک	عمده‌الملک

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات و هنر

در سراسر کتاب هر جا تای گرد (ة) بوده، به های همزه‌دار (ة) تبدیل شده‌است. نک: ص ۲۶۳: زکوة حسن، ص ۴۶۵: تحفة‌المجالس، ص ۴۷۶: ودیعة‌البدیعه، ص ۷۹۶: تحفة‌الکبیر، غرة‌الکمال، غایة‌المطالب.

سال دوم، شماره ۶  
تابستان ۱۳۹۸

۱۲۶

۲۲۳	ولرس بانو	دلرس بانو
۲۳۴	کورنر جزل [ج ز ل]	گورنر جنرل [ج ن ر ل] (همین اشتباه در صص ۴۵۰-۴۵۱ و ۶۶۱-۶۶۲ نیز تکرار شده‌است.)
۲۳۴	کلکترست	گلکرتست
۲۳۴	باغ اردویز	باغ اردو
۲۴۱	بچه کله‌داری علاقه کوراعلم	کل جمله بی‌معنی است.
۲۴۷	متن نام لولنی	منن نام لولی
۲۵۷	صوب‌داری	صوبه‌داری
۲۵۷	مستعلا گردید	مستعد گردید
۲۵۷	مشرقستان	مشرقستان
۲۵۷	تفسیر و حدیق	تفسیر و حدیث
۲۶۳	بهاکوت	بهاگوت
۲۷۰	بیخباتهه	بیج ناته
۲۷۱	چگله	چنگله
۲۷۴	به زریعه	به ذریعه
۲۸۸	همواره بود	همراه بود
۳۰۲	کار کوروی	کاکوروی
۳۰۲	اعظم‌کده	اعظم‌گده
۳۰۳	بهویت رای قدم بلال	بهویت‌رای، منظور از قدم بلال مشخص نیست.
۳۰۳ حاشیه	مولوی مدن [کذا]	نیازی به کذا نیست، زیرا این نام صحیح است.
۳۰۸	کنکا پرشا	گنگا پرشاد
۳۱۱	نپنک	[شاید] پتنگ
۳۱۱	ظلمت فاخره	خلعت فاخره

جگت رای	حکت رای	۳۱۲
به کعبه بردم و بازش	به کعبه بروم و بازش	۳۱۳
چتور	چنبور	۳۱۴
بهگوان داس	بهگوان داس	۳۱۶
گهور که پوری (این اشتباه در ص ۴۴۲ و ج ۲، ص ۸۴۷ نیز تکرار شده است.)	کور که پوری	۳۱۷
دزگاپرشاد (همین اشتباه در ج ۲، ص ۵۷۰ نیز تکرار شده است.)	در کاپرشاد	۳۱۸
زکریا	ذکریا (دو بار)	۳۲۶
وجیه الدین	سلیه الدین	۳۲۶
قطب الدین ایبک	قطب الدین بیک	۳۲۹
تیک چند	نیک چند	۳۳۳
کتاب بهار عجم	کتاب عجم	۳۳۳
در اصطلاحات فارسی	در اصلاحات فارسی	۳۳۳
جُگل کشور	جوگل کیشور	۳۳۴
غلام قطب الدین	علام قطب الدین	۳۳۴
	شاعری به نام بهگوان داس لکهنوی ذکر شده و مؤلف، شرح حال همین شاعر را ذیل بسمل لکهنوی (ص ۳۱۶) نیز آورده است. ممکن است مصحح و ناظر تذکره با شعرای هندوستان آشنا نبوده باشد و گرنه، به این تکرار اشاره می کرد. معلوم است که مؤلف تذکره هم توجهی به این تکرار نکرده است.	۳۳۴
بساون لعل قوم کایته	لباون لعل قوم کاتبه	۳۵۱
مصرع وزن ندارد.	برای جبین ز غضب شد چو آشکار گره	۳۵۲
شاه لدها	شاه لرها	۳۵۳
چگله	چکله	۳۸۱
گوپال رای (در جلد ۲، ص ۷۵۵ نیز جی گوپال آمده که جی گوپال صحیح است.)	کوپال رای	۳۸۲
منوهر نیز یاد کرده اند	منوهریز یاد کرده اند	۳۹۵
گنج شکر	کنج سکر	۴۳۶

سیرالعارفین	سرالعارفین	۴۳۷
بهاگلیوری	بهاکلیوری	۴۴۲
پهلواروی	پهلواردی	۴۴۴
جهان خاتون	هان خاتون	۴۴۷
اگر واله (همین اشتباه در ج ۲، ص ۲۴۵ نیز تکرار شده است.)	اگر واله	۴۴۸
به عنوان نام محلی آمده که به نظر نگارنده صحیح نیست.	کسر	۴۵۰
درین ولا	درنبولا	۴۵۰
مسترهوک	مترهوک	۴۵۱
چنار گده/لطیف گده	چنار گده/لطیف گده	۴۵۱
بی رحمی	بی رحمتی	۴۵۱
میجر پایم	میجر پایم	۴۵۱
قرار بر فرار	قرار بر قرار	۸۸۲، ۴۵۱
علاقه	قلاقه	۴۵۲
نراین (ج ۲، ص ۶۵۹ نیز همین اشتباه تکرار شده است.)	نزاین	۴۵۲
سندیلوی [منسوب به سندیله]	سندیلوی	۴۷۱
بهار بی خزان (از تصانیف اختر)	بهار بی خبران	۴۹۱
فطنت	فنتط	۴۹۲
سلامت الله	سلاست الله	۴۹۹
گوربخش	کوربخش	۵۰۵
علی متقی	علی منقی	۵۰۶
غریب خانه	فریب خانه	۵۲۰
تمهید	تهمید	۵۲۰
متصف	معتصف	۵۲۰
لچهمین یا لچهمی	لچهمین	۵۲۰
چگله دار	چکله دار	۵۲۷
آه آه امتیاز خان [ماده تاریخ/۱۱۲۲]	آه آه امتیاز خانه	۵۲۸
جگت گرو	جکت گرو	۵۴۸
عشقیه [نام کتاب]	عشقیه	۵۴۸
بندراین، یک واژه یا نام است.	بندراین	۵۷۳
گوپاموی	کوپاموی	۵۷۴
شاهنامه فرخ سیری	شاهنامه فرخ سپهری	۵۸۹
راجه شتاب رای	راجه سناب رای	۵۸۹

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۶  
تابستان ۱۳۹۸

۱۳۸



منشی	منسبی	۵۹۰
میرمنشی	میرنسی	۵۹۰
غازی‌الدین حیدر	غازی‌الدین حیدر	۵۹۰
هر دو نام یک جاست، ولی هر دو مشکوک است.	قصبه ملاکوه/قصبه ملانوه	۶۸۲، ۵۹۰
لاله بستی رام	لاله نسنبی رام	۵۹۰
قوم کایته سری باستب	قوم کایته سری	۵۹۰
میرزا قتیل مرحوم	میرزا قتیل محروم	۵۹۰
عبارتی مهمل است	وفاق جوشی بتان دلکشی دارد	۵۹۰
نالۀ درد [نام کتاب]	نالۀ در	۵۹۵
شاید جمله بدین صورت صحیح باشد: از دکن به دهلی رسید- مورد عنايات شاه ولی‌الله سرهندي شد.	از دکن به دهلوی رسید- مورد عنايات شاه ولی‌الله سرهندي شد.	۵۹۵
میرزا مظهر جانجانان	میرزا مظهر خانجانان	۵۹۵
موتی جهیل	مولی جهیل	۵۹۵
پندت امرناتهه	پندت امرنامهه	۵۹۶
تاریخ بداونی	تاریخ بداولی	۵۹۹
شاید چنین باشد: همواره با وی بسر می‌برد.	همواره باروای بسر می‌برد.	۶۰۱
راجہ مہانراین	راجہ مہابراتن	۶۰۳
حیدر جنگ خان	حیدر بنگ خان	۶۱۱
این مصرع باید چنین باشد: نہ شکوفہ‌ای، الی آخر	نہ شکوفہ، نہ برگی، نہ سایہ دارم	۶۱۳
در تذکرہ روز روشن، تخلص این دو شاعر ذہین است.	دو شاعر با عناوین ذہن دکنی و ذہن لکهنوی درج شدہ است.	۶۱۷
در تذکرہ روز روشن، این طور درج شدہ: چہرہ زیبای یار خویش شب دیدم بہ خواب	یک مصرع با نقطہ چین این طور درج شدہ: چہرہ زیبای... کہ خویش شب دیدم بہ خواب	۶۱۷
برہان علی خان رھین	برہان علی خان ذہن	۶۱۷
سگ کوی محبت نام کردند	سبک گوی محبت نام کردند	۶۱۷
این جملہ باید این طور باشد: از وطن بہ دہلی رفتہ، در ہنگامہ ابدالی از آن جا بہ لکھنو آمدہ [تصحیح قیاسی]	از وطن بہ دہلوی رفتہ، در ہنگامہ ابدالی اراسحا بہ لکھنو آمدہ	۶۲۶
رایج سیالکوٹی	راسخ سیالکوٹی	۶۲۸
عبدالاحد	عبدالاجد	۶۳۰
اونامی/اونام	ادنامی/ادنام	۶۳۰
شاه زمن	شاه زمین	۶۳۰

در تذکره روز روشن رسای پنجابی معرفی شده است.	رسای... [در حاشیه ذکر شده که این قسمت محو شده و خوانا نیست.]	۶۳۷
نامش	ناش	۶۳۷
بخشو	بخشو	۶۴۲

در صفحات ۷۸۶، ۷۵۱، ۴۶۷، ۶۴۴ و غیره نسبت چند شاعر، لاهنجی درج شده که حتماً لاهیجی درست است. در جلد دوم، صص ۱۶۲، ۴۰۰ و ۷۰۵ نیز همین اشتباه تکرار شده است. به عنوان مثال، در جمله «نادم گیلانی چون اصلش از لاهنجان است، بعضی... او را لاهنجانی نوشته اند» (همان، ج ۲: ۷۰۰).

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۶  
تابستان ۱۳۹۸

۱۳۰

رضی شوشتری	رضی سوسنبری	۶۴۴
قلایده الجواهر	قلابه الجوایز	۶۵۸
شهر بهوپال	شهر موپال	۶۵۸
فی کلام کالمح	فی الکلام کاللمح	۶۶۲
این آیه بدین صورت است: اَلَمْ تَرَ اَنَّهُمْ فِی كُلِّ وادٍ یَهِیمونَ (الشعراء/ ۲۲۵)	الا تربهم فی کل واد مهمون	۶۶۵
رنبیرپور	زنبیرپور	۶۷۹
محمد حیات مدنی	محمد حیات مدتی	۶۸۷
میندو لعل	منیدو لعل	۶۹۱
زیب النساء بیگم	زیب النسای	۷۰۴
گویندرام	کوبندرام	۷۰۵
سرابی سیالکوتی	سرسر سیالکویی	۷۴۲
قران ثانی	قرآن ثانی	۷۵۳

از صفحه ۷۶۹ احوالات سلامی اصفهانی شروع شده و صفحه ۷۷۰ سفید چاپ شده و در ادامه، صفحه ۷۷۱ با شرح حال سلام الله قاضی کاشانی شروع شده است؛ ظاهراً شرح حال چند نفر جا افتاده است.

تذکره خازن الشعرا صحیح است.	نام تذکره سیدعلی کبیر معروف به میرن جان «بستان الشعرا» درج شده است.	۷۹۶
قوم کایتہ	قوم کاتبه (دو بار)	۸۰۹
گلاب رای	کلاب رای	۸۰۹
شایق جایسی	شایق جالیبی	۸۱۰
ناگپور	ناکپور	۸۱۰
شایق نگرامی	شایق تکراری	۸۱۰

شاه عبدالعزیز محدث دهلوی	شاه عبدالعزیز محمد شاه دهلوی	۸۱۰
بهکر (همین اشتباه در ج ۲، ص ۸۵۸ نیز تکرار شده است.)	بهگر	۸۱۴
گهکر	کهگر	۸۱۶
مخدوم الملک	مجدوم الملک	۸۲۳
علاءالدین خلجی	علاءالدین خلیجی	۸۲۴
شرح چغمینی	شرح چغمنی	۸۳۰
لکهنو	کهنو	۸۳۸
لچهمی	لچهمین	۸۴۵
چمنستان (نام کتاب)	چمستان	۸۴۵
صیغه	صیعه	۸۶۱
بهگون	بهکوان	۸۶۶
شیری سیالکوتی	شیری سیالکویی	۸۸۱
به قوت آن	به فوت آن	۸۸۲
سپهرام	سپهسرام	۸۸۲
مناظره منشی منیر با شیدا	مناظره منشی فیروز با شیدا	۸۸۳

فهرست طولی که از اشتباهات مندرج در جلد اول ارائه شد، به منزله مشت نمونه خروار است. وضعیت جلد دوم نیز همین گونه است و نگارنده با تورق چند صفحه، مشکلات جلد دوم را در جلد دوم نیز مشاهده نمود.

- صفحه ۸۸: نسبت یکی از شاعران، صافی اجگیری و موطن وی، اجگیر در صوبه بهار درج شده که قطعاً همان راجگیر بوده است.

- صفحه ۱۳۳: درباره ضمیر دهلوی نوشته شده: «در زبان کتابها دخل تمام تر داشت»؛ به این معنی که او زبان کتابها را خوب می فهمید. به نظر نگارنده، این جمله نامفهوم است. درباره همین شاعر می نویسد: «به علم داری به بندر سورت سرفرازی یافته»؛ این جمله قطعاً چنین است: «به عمل داری به بندر سورت سرفرازی یافته». همین اشتباه در صفحه ۶۳۶ نیز تکرار شده که عمل داری را «علم داری سرکار انگیزی...» نوشته است.

- صفحه ۱۶۵: «فتح عزیمت کرد» آمده که «فسخ عزیمت» درست است.

- صفحه ۱۷۷: از شاعر معروف ایرانی، ظهیرالدین عبدالله ظهیر شفروه نام برده شده که دو بار به اشتباه، این شاعر «شفرده ای» درج شده است. از این اشتباه می توان چنین برداشت کرد که مصحح از شعرای معروف هموطن خود بی اطلاع است.

- صفحه ۱۱۲: شاعری به نام «صداقت کنجاهی» به اشتباه، «صداقت گنجائی» درج شده، همچنین او را برادر غنیمت گنجائی دانسته اند، در حالی که او برادرزاده غنیمت بود. مصرعی از شعر صداقت چنین درج شده: «لیلی سرمه به صد ناز به به خود می بالد» که صحیح آن چنین است: «لیلی سرمه به صد ناز به خود می بالد».

- صفحه ۲۰۰: عبارت «در خیر تنمیق و تألیف در آورده» درج شده که «در حیّز...» درست است.
- صفحه ۲۱۹: بزرگ سلسله چستی، «عبدالقدوس گنگوهی چستی» به اشتباه، «عبدالقدوس کنکوی چینی» درج شده است.
- صفحه ۲۲۴: نام یک قریه «سند هکهر» نوشته شده که صحیح آن «بهکر/بکهر» است.
- صفحه ۲۲۴: اثر معروف عبدالواحد بلگرامی «سبع سنابل» فقط «سنابل» درج شده است.
- صفحه ۲۴۱: «آبای کرام» را «آبای گرام» نوشته است.
- صفحه ۲۵۴: یک نام هندو «رای نسکبه» نوشته شده که احتمالاً «رای نین سکه» است.
- صفحه ۲۸۸: گاهی ناآگاهی مصنف موجب تعجب می شود؛ اختر درباره صوفی مشهور دهلی، خواجه محمدناصر عندلیب می نویسد: «کجایی است؟ معلوم نشد!»
- صفحه ۳۰۶: یک بیت چنین درج شده:
- در زغن بنگر که می گوید خروس عرشی ام در جمل بنگر که می گویم که گاو عنبرم در مصرع دوم نیز به جای «می گویم»، باید «می گوید» باشد.
- صفحه ۳۱۴: درباره غنیمت کنجاهی می نویسد: «وی مفتی زاده قصبه کنجاه از مضافات گجرات و به قولی، از مضافات پنجاب بوده». از این عبارت پیداست که اختر گجرات را جایی جدا از پنجاب می دانسته، در صورتی که مراد از آن، همان گجرات پنجاب است. کنجاه در ده کیلومتری گجرات پنجاب واقع است.
- صفحه ۳۴۳: در عبارت «جالسیر که محل چاکیرش بود» چاکیر اشتباه است و باید جاگیر باشد.
- صفحه ۳۴۵: سال وفات فریدالدین گنج شکر را این طور نوشته: «سال سیصد و شصت و چهار»؛ اگر این اشتباه از مؤلف نباشد، از جانب مصحح است که ششصد را سیصد خوانده و درج کرده است.
- صفحه ۳۶۳: «جگل کشور» به اشتباه، «جکل کشور» درج شده است.
- صفحه ۳۷۹: «رام چند متبولی» اشتباه است و «تنبولی» درست است. در ادامه، مطول را اثر علامه نصارانی آورده است. به عبارت دیگر، مصححان این کتاب با نام علامه تفتازانی، عالم مشهور اسلام بیگانه اند.
- صفحه ۳۸۲: تخلص میرعظمت الله بلگرامی «تبحر» درج شده که صحیح آن «بی خبر» است.
- صفحه ۳۹۳: «شیخ نصرالدین چراغ دهلی» نادرست است و شیخ نصیرالدین صحیح است.
- صفحه ۳۹۶: «شیخ الهدا» نادرست و «شیخ الهداد» صحیح است.
- صفحه ۴۰۲: «حسین باجی» نادرست و «حسین ناجی» صحیح است.
- صفحه ۴۱۷: تخلص داراشکوه «قادر» درج شده، در حالی که در تمام تذکره ها و نیز دیوان چاپ شده، تخلصش قادری نوشته شده است.

- صفحه ۴۱۸: نام نواب «عنایت‌الله» به‌اشتباه، «عتاب‌الله» درج شده و اصلاً توجه نشده که «عتاب‌الله» نمی‌تواند نام کسی باشد.

- صفحات ۴۲۲-۴۲۳: ضمن بیان شرح حال قتیل لکهنوی، چندین مرتبه نام وطن قتیل، به‌جای «باغ‌پت» به‌اشتباه، «باغیث» درج شده است. در جمله‌ای چنین آمده: «سعادت‌علی خان بذریعه ایران نامدار طالب ملاقات شدند». نگارنده متوجه عبارت «ایران نامدار» نشد! سال وفات قتیل ۱۲۰۳ ق. نوشته شده که باید ۱۲۳۳ ق. باشد. «طالب علی عیشی» را هم «طالب علی عشی» درج کرده‌اند.

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۶  
تابستان ۱۳۹۸

۱۳۳

- صفحه ۴۳۳: به‌جای «راجکی» باید «راجگی» باشد.

- صفحه ۴۴۰: «قطب دهیلوی» نادرست و «دهلوی» صحیح است.

- صفحه ۴۴۲: «تاناشاه» را به‌اشتباه، «ناناشاه» نوشته است.

- صفحه ۴۴۴: «پرنابکده» اشتباه و «پرتاب‌گده» صحیح است.

- صفحه ۴۹۶: «جی‌گوپال» به‌اشتباه، جی‌گوپال درج شده است.

- صفحه ۵۳۰: شرح حال محی‌گیلانی (شیخ عبدالقادر گیلانی) و در ۵۳۱، شرح حال محیی‌الدین ابن‌عربی به‌عنوان شاعر درج شده است. مؤلف نتوانسته نمونه شعری از ابن‌عربی ارائه دهد، ولی درباره محی‌گیلانی نوشته است که گاهی، شعر فارسی می‌سرود و چند بیت به‌عنوان نمونه آورده است. به‌همین ترتیب، در صفحه ۶۱۱، معین‌الدین چشتی‌سنجری و در صفحه ۷۳۷، نظام‌الدین اولیا را به‌عنوان شعرای فارسی مطرح کرده و نمونه شعر از آن‌ها ارائه کرده است. چنین مندرجاتی نشانه کار غیرتحقیقاتی مؤلف است؛ چراکه هیچ‌یک از افراد مذکور، شاعر اشعاری که به آن‌ها نسبت داده شده، نیستند.

- صفحه ۵۴۳: در جمله: «خواست که محله علی ولی‌الله، وصی رسول‌الله در خطبه جاری نماید»، کاملاً مشخص است که در این جا «محلّه» بی‌معناست و این واژه باید «جمله» باشد. در همین صفحه، نام پسر شاه عالم به‌جای «عظیم‌الشان»، «عظیم‌ایشان» درج شده است!

- صفحه ۵۷۵: نسبت یک شاعر ایرانی به نام مرشد بروجردی به‌اشتباه، «یزدجردی» درج شده است. در صفحه ۸۳۰، در باب میرمحمد‌هادی بروجردی نیز همین اشتباه صورت گرفته است.

- صفحه ۵۸۳: به‌جای «رام‌دیال» به‌اشتباه، «رام‌ویال» نوشته شده است.

- صفحه ۵۸۵: قوم «سکسینه» به‌اشتباه، قوم «سکستی» درج شده است.

- صفحه ۵۹۴: در عبارت: «در زبان بهاکها کتب و ودها به کمال پاکیزگی می‌گفت»، واژه «ودها» غلط است و بایستی «دوها» درج می‌شد. «دوها» در زبان هندی یکی از انواع چهاربیتی‌هاست.

- صفحه ۵۹۵: «منشی بیجباته» اشتباه است و «منشی بیج‌ناته» صحیح است.

- صفحه ۵۹۹: تخلص شاه غلام قطب‌الدین اله‌آبادی که «مصیب» است، به‌اشتباه، «مصیبت» درج شده است.

- صفحه ۶۰۰: در جمله «باشده اطراف لکهنو»، به‌جای واژه «باشنده» به‌معنی «مقیم»،

- مصّحّاح کتاب از واژه «باشده» استفاده کرده‌اند که این واژه نیز در فارسی بی‌معنی است.
- صفحه ۶۰۷: «تفصیل» به‌اشتباه، «تفضیل» درج شده‌است.
- صفحه ۶۱۱: در عبارت: «به سیادت بلاد عرب و عجم برآمد»، «سیاحت» را به‌اشتباه، «سیادت» نوشته‌اند. در همین صفحه، «رای پتهورا» را به‌اشتباه، «رای تهپورا» نوشته‌اند. در همین صفحه، شیخ اوحالدین کرمانی و شیخ‌الشیوخ شهاب‌الدین سهروردی را مرید شیخ معین‌الدین چشتی سجزی دانسته‌اند.
- صفحه ۶۲۶: در عبارت: «بحر شرب مدام...خبر نداشت»، «جز شرب مدام» صحیح است.
- صفحه ۶۴۵: در عبارت: «دیوانش از قصاید و غزل و مخمس و غیره غریب به چهل هزار بیت خواهد بود»، کاملاً واضح است که «غریب» اشتباه و «قریب» صحیح است.
- صفحه ۶۵۱: درباره یک طیب این جمله درج شده‌است: «در فن طبابت صداقت به کمال داشت»، با اندک دقتی معلوم می‌شود که به‌جای صداقت، باید حذاقت نوشته می‌شد.
- صفحه ۶۹۴: عبارت: «در اول ملاقات با من کج ناحیه بود»، عبارتی کاملاً مهممل است، زیرا این عبارت ذیل احوال ناطق مکرانی آمده، به‌جای «کج» یقیناً «کچ / کیچ» صحیح است و شاید این عبارت، به این صورت باشد: «اول ملاقات با من در کچ ناحیه بود».
- صفحه ۶۹۵: «دهنپت‌رای» به‌اشتباه، «دنهپت‌رای» درج شده‌است.
- صفحه ۷۰۲: نسبت ناله رومی «اسلام‌لولی» درج شده که صحیح آن «اسلام‌بولی (استامبولی)» است.
- صفحه ۷۱۵: ذیل معرفی آثار مؤلف معروف، ضیاء‌الدین نخشبی نام یکی از کتاب‌های او، «ناموس» درج شده و در حاشیه توضیح داده شده که به‌دلیل آسیب‌دیدگی نسخه، قابل قرائت نبوده‌است؛ این باید کتاب معروف ضیاء، چهل ناموس باشد که در سال ۱۳۸۸ ش. در ایران چاپ شده و پیداست که مصّحّاح کتاب، از وجود آن بی‌خبر بوده‌اند.
- صفحه ۷۲۴: این بیت درج شده:
- هر قوم راست رای و دینی و قبله‌گاهی      من قبله راست کردم بر همت کج کلاهی
- که صورت صحیح این بیت معروف، چنین است:
- هر قوم راست راهی، دینی و قبله‌گاهی      من قبله راست کردم بر سمت کج کلاهی
- صفحه ۷۳۵: لقب یکی از شاعران «فجرالشعرا» درج شده که یقیناً «فخرالشعرا» صحیح است.
- صفحه ۷۵۵: «واژه بایوکالی‌شنگر» اشتباه است و صحیح آن «بایوکالی‌شنکر» است. در همین صفحه «العزیزالوجود» درج شده که بهتر است، «عزیزالوجود» باشد.
- صفحه ۷۸۴: ذیل احوالات واقف پتیا لوی شهر «پتیا له» به‌اشتباه، شهر «پپاله» درج شده‌است.
- صفحه ۷۹۰: مؤلف درباره شاعر ایرانی، سلیم تهرانی نوشته‌است که ظلّ سبحانی، اورنگ‌زیب عالمگیر او را از ایران فراخواند! اگر مصّحّاح کتاب جمله را درست نقل کرده باشند، خطای مؤلف است که نمی‌دانسته، سلیم خیلی پیش‌از آن، از ایران به هند آمده، به دربار پدر

اورنگ‌زيب، شاه‌جهان وابسته بوده و پيش از به تخت نشستن اورنگ‌زيب، در ۱۰۵۷ ق. فوت کرده‌است.

- صفحه ۸۲۱: نام يك كايته نوازي دهن درج شده كه به‌نظر بنده، مشكوك است.

- صفحه ۸۴۳: «ملاقاسم كاهي» را «كاهي» نوشته‌اند.

نگارنده با ملاحظه اشتباهات ذكر شده، چنين نتيجه مي‌گيرد كه:

الف) مصححان تذكره، به اعلام و اصطلاحات هندوستان ناآشنا هستند و هيچ تجربه‌اي در

اين زمينه ندارند.

ب) در خواندن صورت نهايي قبل از چاپ تذكره، هيچ دقتي نشده‌است.

ج) مصححان در زمينه خواندن نسخ خطي، به‌ويژه نسخ خطي شبه‌قاره بي تجربه بوده‌اند.

د) مصححان قطعاً جهت برطرف كردن اشكالات، به منابع ديگر مراجعه نكرده‌اند؛

اگر تذكره‌هاي ديگر مورد بررسي قرار مي‌گرفت، اشتباهات موجود كمتر مي‌شد.

حتي در موردی، آيه قرآني نيز اشتباه درج شده‌است و مصححان زحمت مراجعه به

نص قرآني را به خود نداده‌اند.

جاي بسي تعجب است كه برخي از كلمات معروف فارسي يا عربي را چندين

مرتبه اشتباه نوشته‌اند؛ مثل نيابر (جمع نيبره) كه در چندين محل «تباير» درج

شده و يا «قرار بر فرار» را در دو جا «قرار بر قرار» نوشته‌اند. اين اشتباهات در اصل،

به‌خاطر ضعف قرائت متن است.

متون مربوط به شبه‌قاره كه در سال‌هاي گذشته در ايران تدوين و چاپ شده‌اند،

از نظر صحت و درستي املاي اعلام و اصطلاحات محلي هندوستاني هميشه زير سؤال

بوده‌اند و اين چاپ تذكره آفتاب عالم‌تاب، نمونه ديگري از اين دست است.

بر روي هر دو جلد تذكره، اين كار، «تصحيح» قلمداد شده و زير نظر يك فرد به

چاپ رسیده‌است، ولي اين كار را نه مي‌توان تصحيح ناميد و نه تحت نظر مسئولانه‌اي

چاپ شده‌است. چنين كاري را حداكثر، مي‌توان كپي تايپ شده‌اي از يك نسخه

دانست و اطلاق لفظ «تصحيح» و «زير نظر» به آن منصفانه نيست. در تصحيح يك

متن بر اساس يك نسخه منحصر به فرد، وجود يك سري اشكالات و نواقص امري

طبيعي است، ولي محققان مسئول و باكفايت، با پيش‌رو نهادن منابع مورد استفاده

مؤلف، عبارات، اسامي، تخلص‌ها، اماكن جغرافيايي و اشعار را تصحيح و نواقص را

برطرف مي‌كنند. مؤلف تذكره آفتاب عالم‌تاب تمام منابع مورد استفاده خود را ذكر

كرده‌است، ولي مصححان تذكره حتي زحمت مراجعه به يكي از اين منابع را به خود

نداده‌اند! به همين دليل است كه در اين چاپ، عبارات، نام‌ها، تخلص‌ها، اسامي

جغرافيايي و اشعار اشتباه درج شده و مصححان به ذكر جمله «نسخه آسيب ديده و

چند واژه قابل قرائت نيست»، در پاورقي بسنده کرده‌اند.

مي‌توان گفت كه اين چاپ از تذكره آفتاب عالم‌تاب، موجب شده تا اين نسخه

خطي منحصر به فرد، از گوشه گمنامي درآيد و در اختيار عموم قرار گيرد و تا حدی،

مورد استفاده واقع شود. امید است، فرهنگستان زبان و ادب فارسی این تذکره را با کیفیت مناسب به چاپ برساند.

### نتیجه‌گیری

نگارنده این سطور با دیدن بسیاری از متون شبه قاره که در سال‌های اخیر در ایران چاپ شده است، به این نتیجه رسیده که اغلب مصححان بدون آشنایی کافی با اعلام تاریخی و جغرافیایی و منابع شبه‌قاره و حال و هوای شبه‌قاره، دست به تصحیح می‌زنند و در نتیجه، کار غلط از آب در می‌آید. «تصحیح» تذکره آفتاب عالمتاب نمونه بارز آن است. تنها امتیازی که می‌توان به این اثر داد، این است که نسخه خطی منحصر به فرد از گوشه گمنامی درآمده و در اختیار عموم قرار گرفته است تا حدی مورد استفاده واقع شود.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۶  
تابستان ۱۳۹۸

۱۳۶